

مربع امنیت، معلم، قاضی و روزنامه‌نگار!

نوشته دکتر حسین ابوترابیان



اگر بخواهیم امنیت را از دیدگاه علم ارتباطات تعریف کنیم، می‌توانیم بگوئیم: «برقراری امنیت یعنی ایجاد موقعیت مطلوب برای فعالیت‌های ارتباطی هنجار...» و این در حالی است که می‌دانیم برقراری امنیت اصولاً نمی‌تواند یک هدف نهانی باشد. چرا که امنیت را باید وسیله‌ای دانست برای رسیدن به اهداف دیگر، از جمله: زندگی بهتر؛ ایجاد آسایش؛ برقراری آرامش؛ تثبیت اوضاع؛ تداوم حاکمیت؛ تحکیم روابط خارجی و... که البته همه این هدفها نیز به گونه‌ای جنبه ارتباطی بین انسانها دارد. یعنی انسان وقتی می‌تواند زندگی مطلوب مورد نظر خود را داشته باشد که از نظر ارتباطی در وضعیتی مناسب و هنجار بسر برد (ارتباط بین خودی‌ها یا هم سطح‌ها؛ ارتباط با بالا دست‌ها؛ ارتباط با پایین دست‌ها؛ و...) هر جا که این ارتباط با مانع مواجه شود، طبیعاً یا موقعیت مطلوب آن از دست می‌رود و یا به مسیر بیراهه می‌افتد (به صورت ناهنجار درمی‌آید). عیناً مثل جاده، که اگر صاف و هموار باشد، وسیله نقلیه به مقصد (هدف) می‌رسد، ولی اگر مانعی بر سر راه پیدا شود، ناگزیر یا از بیراهه می‌رود و یا به سنگلاخ می‌افتد (وضعیت ارتباطی ناهنجار).

در بدن انسان نیز اگر تمام وسایل ارتباط جسمی (رگ، عصب، رباط، لمف، هورمون و...) در موقعیت مطلوب باشد، فعالیت‌ها به صورت هنجار ادامه می‌یابد. ولی اگر وسایل ارتباطی موجود در بدن معیوب باشد (تنگی رگ، فشردگی عصب، پیارگی رباط، عدم تعادل لمف، نامیزانی هورمون‌ها و...)، سلامت انسان مختل می‌شود و حالت‌های ناهنجار پدید می‌آید (چه جسمی و چه روحی).

از سوی دیگر می‌دانیم که در اکثر زبانهای غربی لغت امنیت را از ریشه لاتینی Securus گرفته‌اند که به معنای: خاطر جمعی؛ سلامت؛ بی‌خطری؛

مصونیت؛ پشت گرمی؛ بدون غم و غصه؛ مطمئن و... است. در زبانهای شرقی نیز عمدتاً آنچه برای بیان مفهوم امنیت بکار می‌برند، از ریشه «امن» عربی گرفته شده است، مثل: امان (اطمینان خاطر، بی‌ترسی)؛ امانت (سپردن مال یا چیزی به کسی که مورد اعتماد است)؛ ایمان (احساس اطمینان، بیم نداشتن، باور کردن)؛ مؤمن (تحت حمایت قرار گرفته، کسی که اعتقاد به محفوظ ماندن در پناه خدا دارد).

بنابراین ملاحظه می‌شود که مفهوم امنیت در هر دو گروه زبانهای غربی و شرقی بیش از آن که فیزیکی باشد، متافیزیکی است. یا بیشتر روحی است تا جسمی، و به اصطلاح فرنگی‌ها بیشتر Moral است تا Corporal. دلیل آن هم کاملاً واضح است: ارتباط‌های انسانی فقط از طریق وسایل و ادوات و تجهیزات و ملموسات برقرار نمی‌شود؛ بلکه احساسات، روحیات، اعتقادات و معنویات هم در ارتباط‌های انسانی نقش عمده‌ای ایفاء می‌کند. تا جایی که حتی می‌توان گفت: آنچه باعث پیشرفت ارتباط‌های فیزیکی و جسمی و مادی می‌شود، عوامل نامحسوس و ناملموس غیرمادی یا روحی و یا ارتباط‌های معنوی است.

به طور مثال، یک راننده اتومبیل اگر در بهترین جاده و یا بهترین وسیله اقدام به رانندگی کند ولی از شرایط روحی مناسب برخوردار نباشد، به کاری خطرناک و نامطمئن اقدام کرده است. یعنی چون شرایط متافیزیکی هنجار برای او فراهم نبوده، امنیت رانندگیش مخدوش است.

بدن انسان هم اگر از تمام شرایط فیزیکی و جسمانی مطلوب برخوردار باشد و تمام ارتباط‌های سلولی و میان سلولی او درست کار کند، ولی از نظر روحی دچار فشار یا تنش باشد، نمی‌توان به او عنوان «انسان سالم» را داد. چرا که شرایط فیزیکی و متافیزیکی باید هر دو مناسب و مطلوب باشد، تا فعالیت‌های ارتباطی به صورت هنجار انجام پذیرد.

در یک جامعه نیز اگر برای مردم موقعیت‌های بسیار مطلوب در جهت فعالیت‌های ارتباطی مادی پدید آید، ولی شرایط روحی و معنوی به صورتی نباشد که موجب ارتباط‌های هنجار بین مردم شود، به آن جامعه نمی‌توان لقب «جامعه سالم» داد.

پس «جامعه سالم» جامعه‌ایست که در آن

فعالیت‌های ارتباطی (چه مادی چه معنوی) به صورتی هنجار جریان داشته باشد. و یا به عبارت دیگر: اگر موقعیت مطلوب برای فعالیت‌های ارتباطی هنجار پدید آید، یک جامعه سالم خواهیم داشت.

قبلاً گفتیم که فعالیت‌های ارتباطی مناسب و هنجار عامل ایجاد زندگی بهتر، برقراری آرامش، تثبیت اوضاع، ایجاد آسایش و تداوم حاکمیت می‌شود. و نیز اشاره شد که همه اینها وقتی میسر است که امنیت وجود داشته باشد. یعنی امنیت وسیله‌ای است برای ایجاد جامعه سالم. ضمناً هم توضیح دادیم که امنیت یعنی برقراری شرایط مطلوب فیزیکی و متافیزیکی؛ مادی و معنوی؛ جسمی و روحی

و اینک قبل از ورود به بحث اصلی باید به این نکته توجه کنیم که امنیت در یک کشور، حاصل برقراری سه نوع امنیت فیزیکی و سه نوع امنیت متافیزیکی است. به این ترتیب که: امنیت انتظامی؛ امنیت اجتماعی؛ امنیت سیاسی؛ به عنوان سه نوع امنیت فیزیکی یا مادی یا ملموس برای برقراری ارتباط‌های مادی هنجار در یک جامعه لازم است. ولی این سه نوع امنیت امکان برقراری و بقاء ندارد مگر آن که سه نوع امنیت متافیزیکی یا معنوی یا روحی در جامعه بوجود آید. و آن سه عبارت است از: امنیت حقوقی؛ امنیت فرهنگی؛ امنیت رسانه‌ای.

۱- امنیت انتظامی

امنیت انتظامی یعنی ایجاد محیط و شرایط منظم و مساعد و مناسب مادی برای برقراری آسایش و آرامش در یک جامعه، تا مردم بتوانند بین خود به صورتی مطمئن و آسان و مستقیم ارتباط برقرار کنند. چرا که به دلیل استقرار امنیت انتظامی؛ فعالیت دزدها، مفسدین، قساقچاقیان، جنایتکاران، تبهکاران، رشوه‌خواران، کلاهبرداران و فسادانگیزان به حداقل می‌رسد. و مردم می‌توانند از گزند کسانی که باعث سلب آرامش و آسایش جامعه هستند در امان بمانند و در ارتباط با یکدیگر با اطمینان و اعتماد بیشتر، بدون تحمل سختگیری‌های مشکل آفرین، بازرسی‌های وقت‌گیر و پیمودن مسیرهای پیچ در پیچ اداری، عمل کنند.

اما نکته اینجاست که در چنین حالتی (ممانعت از فعالیت عناصر مختل کننده آرامش و آسایش و

اجتماعی

که: با برقراری یک نوع امنیت روحی و معنوی، نوعی امنیت فیزیکی به وجود می آید و به دنبال آن مردم می توانند آسائش، مستقیم تر و مطمئن تر با هم ارتباط برقرار کنند و با آسایش و آرامش و اطمینان به زندگی ادامه دهند.

۲- امنیت اجتماعی

امنیت اجتماعی یعنی ایجاد محیط مساعد و مناسب برای بهره برداری مردم از آزادیهای طبیعی و شرعی و قانونی. بطوری که افراد جامعه بتوانند بدون مانع حق استفاده از طبیعت و محیط زیست را (چه بیجان و چه جاندار) داشته باشند و نیز از حرفه و شغل دلخواه؛ از حق تعیین محل سکونت و نوع تفریح و تسهیلات بهداشتی و تحصیلی برخوردار شوند. البته لازمه چنین وضعیتی برقراری فرهنگ خاصی در جامعه است که باعث شود مردم حد و اندازه بهره برداری از آزادیهای طبیعی و شرعی و قانونی را بدانند و در عین حال به آزادی دیگر افراد جامعه نیز احترام بگذارند. تا برای همه آحاد اجتماع

ضعف رسانه‌ها و عدم امنیت گردانندگان ابزارهای ارتباطی، باعث اُفت مشارکت سیاسی مردم و در نهایت، ضعف نظام و قدرتمندی گروه‌های ضد حاکمیت می‌شود.

آب درآید. به همین دلیل، دیگر عناصر جامعه نیز باید حواسشان جمع باشد و افکارشان مغشوش و نگران نباشد. تا بتوانند وظیفه خود را درست انجام دهند. یکی از مهمترین عوامل ایجاد فشار روحی و تشویش در بین افراد اجتماع، مسأله ضایع شدن یا نادیده گرفتن حقوق آنهاست. و البته برای جلوگیری از آن هم راهی جز برقراری امنیت حقوقی در جامعه نیست. بنابراین امنیت حقوقی باعث امنیت قضائی، و

اطمینان جامعه) اگر کسانی که سر رشته کارهای مربوط به امنیت انتظامی را در دست دارند، خود در امور ارتباطیشان با جامعه احساس امنیت نکنند و به اصطلاح شخصا از امنیت روحی و روانی برخوردار نباشند، هرگز نمی‌توانند امنیت فیزیکی مورد نظر را در اجتماع گسترش دهند. یعنی تا مقام‌های قضائی (از قاضی گرفته تا پلیس) احساس آسایش و آرامش و امنیت نکنند، مجال است قدرت برقراری امنیت انتظامی را در یک جامعه داشته باشند. و احساس آسایش و آرامش و امنیت مقام‌های قضائی مملکت هم وقتی پدید می‌آید که «امنیت حقوقی» گسترش یابد. یعنی هر کس از حقوقی که بایسته او و مقام و منزلت و تحصیلاتش باشد، برخوردار شود.

وقتی می‌گویند موقع رانندگی با راننده صحبت نکنید؛ یا حواس دکتر و جراح را موقع عمل پرت نکنید؛ یا بگذارید خاطر مهندس تکنیسین جمع باشد، به این دلیل است که به تجربه فهمیده‌ایم اگر حواس آنها پرت شود، کارشان بی‌نتیجه و چه بسا خطرناک از



TURBAN
TOUR AND TRAVEL AGENCY



توربان

مشاور صدیق شما در امور ایرانگردی و جهانگردی

نمایندگی فروش بلیط‌های ایران ایر و کد ملی هواپیمایی و غیره

نمایندگی فروش بلیط رام‌آهن جدید

نشانی: تهران، خیابان ولیعصر، بالاتر از ایستگاه محمودیه، ساختمان شیرین، شماره ۱۶۹۱
تلفن: ۲۰۴۰۵۵۵، ۲۰۵۲۱۵۸، ۲۰۴۴۴۰۰ فاکس: ۲۰۵۲۳۳۴

حق استفاده از آزادیهای طبیعی و شرعی و قانونی فراهم آید.
به این ترتیب است که مردم می‌توانند نوع و شیوه ارتباط‌های اجتماعی را تعیین کنند و در هر زمینه‌ای؛ چه ارتباط با محیط زیست، و چه ارتباط با مظاهر زندگی اجتماعی (کار، مسکن، بهداشت، تفریح، تحصیل) همان مسیری را در پیش بگیرند که ترجیح می‌دهند.
آنچه که به گسترش این آزادی انتخاب و نیز آموزش بهره‌گیری از آن کمک می‌کند،

ممانعت هرچه بیشتر از فعالیت کسانی است که نه حریم آزادی‌های طبیعی و شرعی و قانونی را می‌شناسند و نه از نقض حریم آزادی دیگران ابا دارند. یعنی نتیجه کارشان جز این نیست که: یا دیگران را تحت استثمار در می‌آورند؛ یا طبیعت را تخریب می‌کند؛ یا باعث ترویج افکار گمراه‌کننده و فسادانگیز می‌شوند؛ و یا با اختلال در وضعیت اقتصاد و بهداشت و تحصیل و اشتغال، جوامع را به سیر قهرمانی می‌کشاند.

یک کلام آنکه، این افراد عادت نکرده‌اند و یا نیاموخته‌اند که به قانون احترام بگذارند و از ضوابط و آداب و رسوم و سنن اجتماع پیروی کنند. آنها فقط به خود می‌اندیشند و برای حقوق طبیعی و شرعی و قانونی دیگران ارزشی قابل نیستند. به عبارت دیگر این افراد آن چیزی را زیر پا می‌گذارند و از آن بی‌اعتنا می‌گذرند که: «مجموعه‌ای است از توانمندی‌ها، عادت‌ها، جهان‌بینی‌ها، ارزشها (اخلاقی و اجتماعی)، گرایش‌ها (سیاسی و ملی)، ضوابط و علایقی که آدمی به عنوان عضو یک جامعه کسب کرده و موضوع رفتار فرد در نسبت به پدیده‌های اجتماعی و طبیعی تعیین می‌کند.» و می‌دانیم که آن هم چیزی جز «فرهنگ جامعه» نیست.

پس اگر در جامعه‌ای از فعالیت عناصر بی‌اعتنا به فرهنگ و یا بی‌فرهنگ جلوگیری شود، در آن جامعه «امنیت فرهنگی»

برقرار می‌شود و به دنبال آن «امنیت اجتماعی» بوجود می‌آید. یعنی محیط مساعد و مناسب برای بهره‌برداری

مهمترین عامل در ایجاد محیط مناسب برای مشارکت سیاسی مردم، آگاه کردن آنها به مسائل سیاسی است.

مردم از آزادی‌های طبیعی و شرعی و قانونی فراهم می‌شود.

کسانی که در راه برقراری امنیت فرهنگی و آشنا کردن مردم جامعه به حقوق طبیعی و شرعی و قانونی، نقش اساسی و قدر ازل دارند، معلمین هستند. زیرا این طبیعی است که اگر آگاهی به حریم آزادی‌ها و حقوق دیگران، از همان دوره مدرسه آموخته نشود، در بزرگسالی هرکس به خود حق می‌دهد به حقوق

اجتماعی برقرار شود.

معلمین هم برای این که رسالت خود را در گسترش امنیت فرهنگی به طور کامل و بی‌نقص پیش ببرند باید در وضعیت مطلوبی باشند تا بتوانند کسانی را تربیت کنند که احترام به آزادی دیگران و شناخت حدود آزادی‌های خود را خوب آموخته باشند.

نتیجه این که: با برقراری یک نوع امنیت روحی و معنوی (فرهنگی)، نوعی امنیت فیزیکی (اجتماعی) به وجود می‌آید، و به دنبال آن مردم می‌توانند آزادانه با محیط زیست، پدیده‌های طبیعی، و مظاهر زندگی اجتماعی ارتباط برقرار کنند.

۳- امنیت سیاسی

امنیت سیاسی یعنی ایجاد محیط مساعد و مناسب برای مشارکت مردم در امور سیاسی. به طوری که افراد جامعه بتوانند بر مبنای عقیده و مرام و مسلک و دریافت خود، به مسائل سیاسی بپردازند و در امور مربوط به سرنوشت جامعه و ارتباط خویش با حاکمیت کشور شراکت داشته باشند. برای رسیدن به این هدف باید اولاً کسی مردم را به داشتن عقیده و مسلک و مرام خاص وادار نکند. ثانیاً ترس مردم از بابت بی‌آمد فعالیت‌های سیاسی زایل شود. ثالثاً عملکرد گروه‌های آشوبگر و برهم زننده ثبات سیاسی و استقلال کشور به حداقل ممکن برسد (البته نه با زور).

مهمترین عامل در ایجاد محیط مناسب برای مشارکت سیاسی مردم، آگاه کردن آنها به مسائل سیاسی است. زیرا وقتی که مردم در صدد فعالیت‌های سیاسی برمی‌آیند اگر از اصول و روش‌های مشارکت سیاسی مطلع نباشند، نتیجه کارشان جز بهم ریختگی و تشتت سیاسی نخواهد بود. و در این مورد حتی اگر با کمال حسن نیت هم عمل کنند، به دلیل ناآگاهی از پیچ و خم‌های دنیای سیاست، عمدتاً تحت تأثیر احساسات و یا عوامل برانگیزاننده

دیگران تجاوز کند و امنیت اجتماعی را از بین ببرد. پس باید در جامعه امنیت فرهنگی بوجود آید تا امنیت



احساسات قرار خواهند گرفت و مسبب دردسر و زحمت خواهند شد.

آن چه که به عنوان عامل اصلی آگاه کردن مردم به مسائل سیاسی شناخته می‌شود، رسانه‌ها هستند. و در میان رسانه‌ها نیز بیش از همه مطبوعات نقش آفرینند. بنابراین اگر گردانندگان رسانه‌ها (یعنی قلم بدستان جامعه) که مهمترین نشان روزنامه‌نگاران هستند، امنیت داشته باشند، بهترین زمینه‌ها را برای مشارکت سیاسی مردم فراهم می‌کنند. زیرا وقتی روزنامه‌نگاران، و کلاً رسانه‌ها احساس امنیت کنند، هم باعث ثبات سیاسی می‌شوند و هم فعالیت گروه‌های آشوبگر و برهم زننده ثبات سیاسی کشور را از رونق می‌اندازند. در حالی که ضعف رسانه‌ها و عدم امنیت گردانندگان ابزارهای ارتباطی (اعم از نوشتاری و گفتاری و دیداری و شنیداری) باعث افت مشارکت سیاسی مردم و در نهایت، ضعف نظام و قدرتمندی گروه‌های ضد حاکمیت می‌شود.

اگر آموزش افراد جامعه تا سن معینی به عهده والدین و معلمین است، بعد از خاتمه تحصیلات و ورود افراد به جامعه، وظیفه آموزش آنها را رسانه‌ها و به ویژه روزنامه‌نگاران بر عهده دارند. و لذا گردانندگان رسانه‌ها (که الزاماً باید اهل قلم باشند) همانند معلمین-

و بلکه گسترده‌تر و جامع‌تر از آنان- بسان معلمین اجتماع باید به مردم بیاموزند که چه بکنند تا حقوقشان را حفظ کنند و از نظر ارتباط با نظام حاکم و دخالت در سرنوشت سیاسی مملکت خویش، چگونه و به چه ترتیب قدم بردارند، تا در نهایت جامعه را به سمت «امنیت سیاسی» پیش ببرند و وضعیتی بوجود آورند که محیط مساعد و مناسبی برای مشارکت مردم در امور سیاسی فراهم شود.

نتیجه این که: با برقراری یک نوع امنیت روحی و معنوی برای دست‌اندرکاران و مسایل ارتباط جمعی (رسانه‌ای)، نوعی امنیت فیزیکی (سیاسی) به وجود می‌آید، که به دنبال آن مردم می‌توانند آزادانه با نظام حاکم و نهادهای سیاسی کشور ارتباط برقرار کنند و در سرنوشت سیاسی جامعه شریک شوند.

پس، سه گروه تأمین‌کننده موقعت مطلوب برای برقراری فعالیت‌های ارتباطی هنجار (یعنی: قاضی، معلم، روزنامه‌نگار) باید خود از امنیت فکری و روحی برخوردار باشند تا بتوانند برای مردم کشور امنیت فیزیکی لازم را فراهم آورند و در نهایت به اهدافی چون: زندگی بهتر؛ ایجاد آسایش؛ برقراری آرامش؛ تثبیت اوضاع؛ تداوم حاکمیت؛ و... جامه عمل بپوشانند.

این در حالی است که ضعف امنیت حقوقی و قضائی در یک کشور مجرمین را جری می‌کند (امنیت انتظامی را از بین می‌برد)؛ ضعف امنیت فرهنگی باعث افزایش تعداد متجاوزین به حقوق مردم و سلب کسندگان آزادی‌های اجتماعی می‌شود (امنیت اجتماعی را کاهش می‌دهد)؛ ضعف امنیت رسانه‌ای باعث بهم ریختگی ثبات و توقف رشد سیاسی کشور می‌شود (امنیت سیاسی را کم رنگ می‌کند).

یعنی لقب «جامعه سالم» وقتی در مورد یک کشور بکار برده می‌شود که در آن به دلیل وجود امنیت انتظامی، اجتماعی و سیاسی، فعالیت‌های ارتباطی هنجار صورت می‌گیرد. و این امر هم امکان‌پذیر نیست مگر آن که قضات، معلمین و روزنامه‌نگاران آن جامعه از بالاترین سطح احترام و توجه و ارزش اجتماعی برخوردار باشند. چرا که زیربنای اصلی هر نوع فعالیت ارتباطی هنجار، استقرار امنیت حقوقی، فرهنگی، و رسانه‌ای در یک جامعه است. و این سه نوع امنیت هم بوجود نمی‌آید مگر آن که قاضی و معلم و روزنامه‌نگار، خود از امنیت کامل برخوردار باشند.



PHASE KAR Eng. Co.

طراحی و ساخت تابلوهای برق صنعتی و کنترل اتوماتیک

تابلوهای کنترل - توزیع - MIMIC و MCC در انواع ثابت، کشویی، مدوله و پیلانویی
تابلوهای فشارقوی - بانکهای خازنی - سینی و نردبان کابل
با خدمات پس از فروش



شرکت فنی مهندسی فاز کار

دفتر مرکزی: تهران، بزرگراه رسالت، نبش میدان ۶۷، شماره ۱۰۹
کارخانه: کیلومتر ۲۳ جاده آبدلی، پشت کارخانه زیب ایران،
کوچه یکم غربی، شماره ۵
تلفن: ۷۸۰۸۴۶۸ فاکس: ۷۴۵۹۶۶۵

اجتماعی